

امام زمان(عج) چه کسی را «برادر» خطاب کرد



مدیر حوزه علمیه امام مهدی(عج) حکیمیه تهران گفت: شیخ مفید همان بزرگی است که امام زمان(عج) او را «اخ السّدید» خطاب کرد؛ این مرد الهی خوبی‌ها را از ناحیه خداوند می‌دانست و بدی‌ها را به نفس خویش مربوط می‌کرد.

مدیر حوزه علمیه امام مهدی(عج) حکیمیه تهران گفت: شیخ مفید همان بزرگی است که امام زمان(عج) او را «اخ السّدید» خطاب کرد؛ این مرد الهی خوبی‌ها را از ناحیه خداوند می‌دانست و بدی‌ها را به نفس خویش مربوط می‌کرد.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از سایت حوزه علمیه امام مهدی(عج)، آیت‌الله روح‌الله قهری در تازه‌ترین درس اخلاق خود به موضوع «171#& بهترین خوبی در عالم، راضی به رضای ذوالجلال و الاکرام بودن است» پرداخت که بخشی از آن در ادامه می‌آید:

*خیر دنیا و آخرت در چیست؟

وجود مقدّس و منوّر حضرت سیّدالساّجدين، زین‌العابدین، امام العارفین، آقا علی بن الحسین(ع) بیان فرمودند: «171#& ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ رُزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»، سه چیز است که هر کس داشته باشد، خیر دنیا و آخرت روزی‌اش شده است - اگر انسان به دنبال خیر است، ببیند معصومین(ع) و اولیاء خدا چه می‌فرمایند- حضرت نمی‌فرمایند: اگر کسی این سه خصلت را داشته باشد، در آخرت به او خیر می‌رسد، بلکه می‌فرمایند: در این دنیا هم خیر و خوبی به او می‌رسد. در دنیا و آخرت خیر است. خوبی دنیا را دارد، خوبی آخرت را هم دارد.

1-رضا به قضای الهی

«171#& هُنَّ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ»؛ کسی که راضی به قضای الهی است، آرام می‌شود. بهترین خیر را دارد، بهترین خوبی در دنیا نصیب او شده است. عرض کردم نمی‌فرمایند: فقط آخرت، می‌فرمایند: دنیا و آخرت. برای این که در این هیاهوی دنیا، در این قیل و قال، آرام است. نه این که این‌ها غصّه مردم را نخورند و به ظاهر بی‌خیال باشند. آرام با بی‌خیال بودن فرق می‌کند. این‌ها چون اتکایشان به پروردگار عالم است و راضی به قضای الهی هستند، در خیر دنیا هستند.

2-صبر در بلا

مسئله دیگر خیر دنیا و آخرت، در صبر است، «171#& وَ الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ». نزد کسی که راضی به رضای حضرت حقّ شد، عند الاولیاء، بلا به این معنایی که ما بیان می‌کنیم، نیست. اولیاء می‌دانند همه این‌ها لطف است.

هر کسی در بلا صبر کرد، معلوم است اهل خیر است؛ چون این از نشانه‌های خیر است. بلا هم مختلف است. یک موقع بلا به صورت ظاهر، برای مالی است. یک موقع، به صورت ظاهر مریضی است یا فرزند ناصالح است یا خدای ناکرده همراه نبودن همسر است و ... اما کسی که در مقابل این‌ها صبر کرد و حلم و بردباری به خرج داد، خیر دنیا و خیر آخرت شاملش شده است.

در روایات در باب صبر بیان می‌شود: اگر کسی صبر کند، مقام او مقام انبیاء است. اصلاً یکی از امتحانات پروردگار عالم برای انبیاء، مسئله صبر است. یونس نبی(ع) خیلی صبر کرد، اما یک جا، یک مقدار آن هم به خاطر این که چرا مردم خدایی نمی‌شوند، نه این که چرا به من اهانت می‌کنند، به تعبیری زود از کوره در رفت و آن طور مبتلا شد. «171#& وَ ذَا الثُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِيًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ تَقْدَرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» من به خودم ظلم کردم، «171#& فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ تَجَنَّبَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُجِی الْمُؤْمِنِينَ». یک مقدار کم، آن هم نه برای خودش، برای این که این امتّ چرا این طور هستند، از کوره در رفت و آن وقت به این حالت رسید.

3-شکر در آسایش

«171#& وَ الشُّكْرُ فِي الرِّخَاءِ» موقعی که در آسایش و رفاه است، شکرگزاری کند. آن وقت این بهترین کسی است که هم خیر دنیا دارد، هم خیر آخرت. خوبی دنیا و خوبی آخرت در این شخص جمع شده است. شاکر نعمت الهی باشد شاکر خدا باشد.

فرمودند: اگر کسی در لحظاتی که باید شکر کند، شکر نعمت را انجام ندهد، پروردگار عالم آن نعمت را از او می‌گیرد. دلیل آن اهانت به خود این نعمت است و لا پروردگار عالم خود فرموده: ما اگر چیزی را دادیم پس نمی‌گیریم. «171#& إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى

يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» عزیز دلم! خدا تغییر نمی‌دهد، مگر این که کسی خودش عامل تغییر باشد.

یکی از عوامل تغییر این است که انسان شکر نعمت را به جا نیاورد. یک نوع شکر، شکر لسانی است، اما حقیقت شکر این است که انسان قدر آن نعمت را بداند. قدر نعمت نبی مکرم(ص) را بداند، جایی نرسد که بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ تَيْبَتَا. مردم قدر امامت را نشناختند، حالا کار به غیبت ولیّ خدا رسیده است.

*چرا پروردگار عالم خیر دنیا و آخرت را به مومنین مرحمت می‌فرماید؟

چه کند انسان به این خیر برسد؟ وجود مقدّس باقرالعلوم، آقا امام محمد باقر(ع) فرمودند: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ» در کتاب امیرالمؤمنین(ع) دیدم که رسول الله(ص) فرمودند: «وَهُوَ عَلَى مِثَرِهِ: وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قُطْرَ حَبْرٍ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ، وَ رَجَائِهِ لَهُ، وَ حُسْنِ خُلُقِهِ، وَ الْكَفِّ عَنِ اعْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ؛ رَضَا بِاللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَهُوَ مُؤْمِنٌ».

حضرت باقرالعلوم(ع) چهار نکته اساسی و مهم را بیان می‌فرمایند. می‌فرمایند: در کتاب مولى الموالى(ع) دیدم که مولا بیان فرمودند: پیامبر عظیم الشان(ص) بر روی منبر بودند، سوگند خوردند و فرمودند: سوگند به خدای یگانه که هرگز خیر دنیا و آخرت به مؤمنی داده نشده، مگر به چند دلیل.

چرا پروردگار عالم خیر دنیا و آخرت را به مؤمنین مرحمت می‌کند؟ - که اصلاً به همین خاطر هم نهایتاً فرمودند: «فَهُوَ مُؤْمِنٌ» به خاطر همین مطالب هم مؤمن می‌شوند -

حسن ظن به خداوند

1. «ما أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قُطْرَ حَبْرٍ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ» مؤمن خوش گمان به خداست، می‌گوید: هر چه از ناحیه خدا برسد خوبی است اما اگر بدی هست از عمل خود من است - این یک نکته بسیار مهم است

*چگونه شیخ مفید، برادر امام زمان(عج) شد / رازی که شیخ طوسی درباره شیخ مفید گفت

از آن مرد الهی و عظیم الشان، آن شیخ الطائفه، شیخ طوسی(اعلی الله مقامه الشریف) راجع به حضرت شیخنا الأعظم، حضرت مفید عزیز (روحی له الفداء و سلام الله علیه)، آن کسی که می‌دانید امام زمان(روحی له الفداء) به او خطاب «إِخ السَّدِيد» کرد، جمله‌ای را بیان می‌کند که بسیار عالی است.

ایشان می‌فرمایند: این مرد الهی، حضرت شیخنا الأعظم، حضرت مفید عزیز(روحی له الفداء و سلام الله علیه) در حسن ظنّ به پروردگار عالم این‌طور بود که دائم بیان می‌فرمود: آنچه که خوبی است، از ناحیه الله تبارک و تعالی برای من دارد می‌آید و لطف خداست و اگر بدی است از نفس دون من است.

ایشان دائم به ما این تذکار را می‌داد که ای تلامیذ من! به این دقت کنید که اگر به مشکلی برخوردید، بدانید نفس دون شما باعث این مشکل شده است اما اگر لطفی آمد و در خوبی قرار گرفتید، بدانید من ناحیه الله تبارک و تعالی است.

شیخ طوسی(اعلی الله مقامه الشریف) می‌فرمایند: این اثر عالی در ایشان، ایشان را رشد داد که انسان بداند گرفتاری‌ها همه از نفس است اما هرچه خوبی است من ناحیه الله تبارک و تعالی است.

حسن ظنّ به خدا یعنی اگر انسان یک مشکلی در خود پیدا کرد، نگوید این از خداست؛ بگوید: این از نفس است. حسن ظنّ به پروردگار عالم یعنی اگر مشکلی در دنیا برای انسان پیش آمد، بگوید یک جایی یک غلطی کردم، یک اشتباهی کردم، حرف نفس امّارهام را گوش دادم، این نفس دون من را بیچاره کرد، پس امروز گرفتارم. اما آن جایی که خوبی آمد، بگوید: این‌ها از خداست، از من نیست. این حسن ظنّ به پروردگار عالم است.

اگر انسان با این حال و با این دید جلو برود، چقدر با دیگران فرق می‌کند. بگوید: اگر این‌طور شده است، بدی‌ها همه از ناحیه خودم است. این‌طور نشود که مثل بعضی تا پایش به یک کلوخی می‌خورد، به تعبیر عامیانه بگوید: هر چه سنگ است مال پای لنگ است. بگوید: این لنگی پا را خودم درست کردم. این نفس من بود. حسن ظنّ به پروردگار عالم خودش خیر دنیا و آخرت است و خیلی مهم است.

امید به خدا

2. «#وَرَجَائِهِ لَهُ» معلوم است، حالا که حسن ظنّ به خدا دارد، امیدش به خداست و ناامید از خدا نمی‌شود. اگر کسی ظنّ و گمان بدی به کسی داشته باشد، دیگر امید به او ندارد. این قاعده است.

خوش اخلاقی

3. «#وَحُسْنُ خُلُقِهِ» خوش اخلاقی، اخلاق نیکو. خوش‌رو کسی است که پروردگار عالم به او خیر دنیا و آخرت داده. عجیب است، حضرت بر فراز منبر این‌گونه فرمودند: سوگند به خدای یگانه که هرگز خیر دنیا و آخرت به مؤمنی داده نشده مگر به خاطر این چیزها «#وَمَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ، وَرَجَائِهِ لَهُ، وَحُسْنِ خُلُقِهِ». درد امثال من همین است که اگر حسن خلق باشد خیلی چیزها درست می‌شود.

خویش‌نداری از غیبت

4. «#وَالْكَفِّ عَنِ اعْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ» الله اکبر! این که خویش‌ندار باشد از غیبت مؤمنین.

غیبت یعنی آنچه را که هست نگوید، اگر نباشد که تهمت می‌شود. خیر دنیا و آخرت به مؤمن داده نشده، مگر این‌طور باشد و إلا اگر خدای ناکرده اهل غیبت و این‌ها باشد، خود این دلالت بر این است که پروردگار عالم خیر را از او گرفته است. باید این را مواظب باشیم.